



### نخودچی کشمش های بسته بندی چهارگوش

باباجون جواد می‌گه: شب های یلدا ای اون زمونا اگرچه پربرف و یخ بندون بود، اما خیلی خوب بود چون از روز قبل یلدا همه می اومدن خونه بابام که بزرگ تر بود. مامانم برای شام مهمانی «گله پاچه» بار می گذاشت. یادمه همیشه خاله هام و دایی هام برای غذا کمکش می کردن. اون وقت که گاز نبود و همه پخت و پز روی چراغ نفتی ها درست می شد. خانوما غذاهایی مثل کدو حلوایی می پختن و مامان ربابه



توی پارچه های چهارگوش تمیز و کوچیک برای همه نخودچی کشمش و آجیل یلدا بسته بندی می کرد. دختر بچه ها یک قل دو قل بازی می کردن. سفره یلدا توش پر بود از تخمه و سبجد و سیب و انار. خبری از میوه های دیگه نبود چون فصلش نبود. بزرگ ترا خاطره تعریف می کردن و خانوما توی اتاق دیگه برای خودشان دورهمی داشتن. یادش به خیر اون وقت وقتی کسی با یکی قهر می کرد و دل خوری داشت، بقیه توی دورهمی مهمونش می کردن و خلاصه آشتی کنون بود و خوبی و خوشی. واقعا که یادش به خیر!



سجاد بورسی پورو باباجون جواد و مامان جون ربابه